

مبانی قرآنی راهپیمایی اربعین حسینی

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی
استاد جامعه المصطفی العالمیه

@drmarezaei

چکیده

این نوشتار بر آن است که با روش‌های تفسیری و حدیثی و تحلیل تاریخی روشن سازد پدیده عظیم راهپیمایی اربعین جهت زیارت امام حسین (علیه السلام) مبانی قرآنی دارد، همان طور که مبانی حدیثی دارد (احادیث مربوط به ثواب گام زدن جهت زیارت امام حسین (ابن مشهدی، ص ۳۴۰)

و احادیث زیارت اربعین که آن را نشانه مؤمن شیعی معرفی کرد(عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۷؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۰)، در مورد مبانی قرآن راهپیمایی اربعین می‌توان به آیات شعائر الله (حج/ ۳۲)، ایام الله (ابراهیم/ ۵)، ولایطیئون موطأً (توبه/ ۱۲۰)، مهاجراً الی الله (نساء/ ۱۰۰)، نصرت اللہی (محمد/ ۷)، یاری مظلوم (اسراء/ ۳۳) و نیز آیات مربوط به جایگاه تکوینی اربعین «فلما بلغ اربعین» (احقاف/ ۱۵) و ارزش عبادی اربعین (اربعین لیلہ (اعراف/ ۱۴۲) اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، اربعین، امام حسین، راهپیمایی اربعین، عراق، شیعه.

الخلاصة

يهدف هذا المقال الى توثيق الأسس القرآنية لمسيرة أربعية الإمام الحسين (عليه السلام) من خلال الدراسات القرآنية والروائية والتحليل التاريخي، فكما أنها لها أسس روائية (كروايات ثواب المشي الى لزيارة الإمام الحسين (عليه السلام) والروايات التي تجعل زيارة الأربعين من علامات المؤمن الشيعي) فلتوثيق أسسها القرآنية يمكن الإشارة إلى آيات الشعائر الإلهية (الحج / ۳۲) وأيام الله (ابراهيم / ۵) و

لا يطئون موطأ (التوبة / ١٢٠) ومهاجرا الى الله (النساء / ١٠٠) والنصر الإلهي (محمد / ٧) والوقوف مع المظلوم (الإسراء / ٣٣) وكذلك الآيات التي تبين مكانة الأربعين التكوينية (فلما بلغ أربعين) (الأحقاف / ١٥) والقيمة العبادية للأربعين (أربعين ليلة) (الأعراف / ١٤٢) .

الكلمات المفتاحية: القرآن، الأربعين، الإمام الحسين عليه السلام، مسيرة الأربعين، العراق، الشيعة

Abstract

This article aims to clarify with interpretive and hadith methods and historical analysis the great phenomenon of the Arbaeen pilgrimage to visit Imam Hussaing has Quranic foundations, as well as hadith foundations (the hadiths related to the reward of walking towards the pilgrimage of Imam Hussain and the hadiths of the Arbaeen pilgrimage which introduced it as a sign of a Shia believer), regarding the Quranic foundations of the Arbaeen procession, we can refer to the verses of Sha'a'er Allah (Hajj/32), Days of God (Ibrahim/5), Valaitayoun Mota'ah (Toba/120), and Muhajire to Allah (Nisa'/100).), Nusrat Allahi (Muhammad/7), Yari Mazloun (Isra'/33) and also the verses related to the formative position of Arba'in "Falma Balgh Arba'in" (Ahqaf/15) and the devotional value of Arba'in (Forty Nights (A'raf/142).

Keywords: Quran, Arbaeen, Imam Hussein, Arbaeen procession, Iraq, Shia.

مقدمه

راهپیمایی بین‌المللی «اربعین» (سالگرد چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) به عنوان بزرگترین راهپیمایی مذهبی در کره زمین، از جهات مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، از جمله از نظر مبانی قرآنی، مبانی حدیثی، سیر تاریخی، مردم‌شناسی (نقش مردم و پیروان مذاهب و ادیان و ملیت‌ها در اربعین)، مراسم مذهبی (جایگاه خاص آن در مراسم مذهبی شیعه)، اهل بیت‌شناسی (جایگاه امام حسین (ع) و اربعین او)، آثار تکوینی و تشریحی عدد چهل، آثار تربیتی و اجتماعی و سیاسی اربعین و ... لیکن در این نوشتار بر آنیم که مبانی قرآنی این پدیده عظیم بشری را بررسی کنیم.

مفهوم‌شناسی

۱- واژه «اربعین» به معنای «چهل» است که در اینجا مقصود چهلمین روز بعد از شهادت حضرت حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) امام سوم شیعیان است که در سال ۶۳ق واقع شده سپس در طول تاریخ ساگرد این روز با عنوان «اربعین» نامیده شد و در عصر ما هر سال در کشور عراق راهپیمایی عظیم بشری از شهرها و کشورهای مختلف به سوی کربلا صورت می‌گیرد.

۲- واژه «مبانی» واژه مبانی در لغت از «بنا» مشتق شده است و به معنای «پایه، پی‌نهاد، بنیاد و زیرساخت» می‌آید. (لسان العرب، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۰۱؛ فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۷۷۶؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۷۴۱)

معادل این واژه در انگلیسی Fundamentals به معنای پایه‌ها، شالوده‌ها و اصول بنیادین آمده است. (فرهنگ معاصر هزاره، ج ۱، ص ۶۳۷) پس معنای

مبانی در فارسی، عربی و انگلیسی همخوان است.

- در اینجا مقصود از مبانی، آیاتی است که عناوین و قواعد کلی را بیان می‌کند و راهپیمایی اربعین می‌تواند مصداق آن آیات قرار گیرد و مطلوبیت این پدیده عظیم بشری را نشان دهد. یعنی آن عناوین کلی در قرآن به عنوان پیش فرض پذیرفته شده و مبنای مصداق جدید در هر عصر از جمله مراسم اربعین قرار می‌گیرد.

پیشینه

چهلمین سالروز شهادت حضرت حسین بن علی بن ابی طالب g امام سوم شیعیان را «اربعین» نامیده‌اند که اولین زائر آن صحابی جلیل پیامبر اسلام a، جناب جابر بن عبدالله انصاری بود، زیارت اربعین مورد توجه اهل بیت b بوده تا آنجا که یکی از نشانه‌های مؤمن شیعی نامیده شده است. («نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)). سپس در طول تاریخ زیارت امام حسین g در این روز مورد توجه شیعیان قرار گرفته است.

آنگاه با عنایت به روایاتی که در مورد ثواب قدم زدن برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وارد شد، (ابن مهدی، ص ۳۴۰).

شیوه راه‌پیمایی از شهرهای مختلف به سوی کربلا برای زیارت اربعین در عراق مرسوم شد که در دهه‌های گذشته عمدتاً توسط علمای شیعه از نجف به کربلا صورت می‌گرفت و بعد از فروپاشی رژیم بعث عراق، این راهپیمایی به یک میثاق عظیم شیعیان سراسر جهان تبدیل شد.

در مورد «اربعین» کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش شده که به صورت

- خاص یا عام به مراسم اربعین یا زیارت اربعین امام حسین e اشاره دارد از جمله:
- مجموعه مقالات اربعین، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده حج و زیارت، نشر معارف، ۱۳۹۴ش.
- باخاندان وحی، از عاشورا تا اربعین، حشمت الله قنبری همدانی، ناشر: امیرکبیر
- چکیده مقالات دومین همایش علمی بین‌المللی اربعین/
- پیاده تا بهشت : سفرنامه‌ی اربعین حسینی، جواد محمدزمانی؛ تهیه شده کمیته فرهنگی - آموزشی ستاد مرکزی اربعین، تهران: نشر مشعر
- اربعین حدیث، تألیف نورالدین عبدالرحمن جامی، تحقیق علی‌اکبر ضیائی، تهران: انتشارات بین‌المللی امین،

روش‌شناسی

در این نوشتار از روش‌های تفسیر قرآن به ویژه «روش تفسیر روایی» (منطق تفسیر قرآن (۲)، (از نگارنده (مبحث روش‌های تفسیری) و نیز از قواعد تفسیری به ویژه قاعده «جری» و نیز قاعده «بطن‌گیری» به شیوه آیت الله معرفت e (منطق تفسیر قرآن (۲)، (از نگارنده (مبحث روش‌های تفسیری) استفاده می‌شود. البته از تحلیل تاریخی و متنی نیز بهره می‌بریم. آیاتی که در این نوشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد گاهی قواعد کلی است و گاهی در مورد اقوام و انبیای گذشته نازل شده که بعد از الغای خصوصیت، پیام کلی آیه اخذ می‌شود و بر راهپیمایی اربعین به عنوان یک مصداق جدید آن تطبیق می‌شود. این شیوه در بین علما و مفسران معاصر مرسوم است و تحت عنوان قاعده «جری» یا «بطن‌گیری» یا «پیام‌گیری» از آن یاد می‌شود. (تفسیر قرآن مهر، از نگارنده، جلد اول، مقدمه مؤلف).

البته برخی آیات مورد استناد نیز به ارزش تکوینی یا عبادی عدد «چهل»

اشاره دارد که به شیوه تداعی معانی از آنها در مورد اربعین الهام‌گیری می‌شود تا ارزش عدد «اربعین» نشان داده شود.

اول: راهپیمایی اربعین مصداق عناوین کلی آیات

برخی آیات قرآن دارای عناوین و قواعد کلی است که در طول اعصار مصادیق متعدد پیدا می‌کند. از این‌رو راهپیمایی اربعین می‌تواند مصداق برخی از این آیات قرار گیرد و مبنای مطلوبیت این پدیده عظیم بشری باشد.

الف: راهپیمایی اربعین از شعار الله و نشانه تقوای دل

(وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (حج/ ۳۲)؛ «و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ می‌شمارند، پس در واقع، این (کار آنان حاکی) از خود نگه‌داری دل‌هاست».

نکات تفسیری

۱. واژه‌ی «شعائر» در اصل به معنای علامت و نشانه است که شامل برنامه‌های کلی الهی، می‌شود که انسان را به یاد خدا و عظمت دین او می‌اندازد. در برخی آیات قرآن، شتر قربانی حج و صفا و مروه از شعارهای الهی شمرده‌اند. (حج آیه‌ی ۳۶ و بقره، آیه‌ی ۱۵۸).

۲. در این آیه بیان شده که بزرگ‌داشت شعارها و نشانه‌های الهی، نشانه‌ی تقوای دل است. البته بزرگ‌داشت این نشانه‌ها آن است که موقعیت این شعارها را در افکار و اذهان عمومی بالا ببرند و آنچه در خور احترام و عظمت آنهاست به جای آورند.

۳. مقصود از تقوای دل، همان پارسایی درونی انسان است؛ یعنی بزرگ‌داشت

نشانه‌های الهی، به قصد و نیت انسان وابسته است. وقتی دل انسان خود نگه‌دار و پارسا شد، بروز عملی پیدا می‌کند و تقوای روح و احساس مسئولیت انسان در برابر فرمان‌های الهی، در جسم و اعمال او تبلور می‌یابد. پس احترام و بزرگ‌داشت شعارهای الهی، نشانه‌ی تقوای درونی است. (مهر، ذیل آیه ۳۲ حج).

۴. مفسران قرآن در مورد آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند:

الف) نخست آن که مقصود از شعارهای الهی همان حیوانات قربانی حج است که خدا اجازه داده تا فرا رسیدن زمان قربانی از منافع آنها استفاده کنید، سپس در مکه آنها را قربانی نمایید.

ب) دوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع مناسک حج است که برای شما تا قیامت در آنها منافی وجود دارد. سپس شخص مُحَرَّم، پس از انجام اعمال حج و طواف نساء، در کنار خانه‌ی کعبه از احرام بیرون می‌آید. ج) سوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع برنامه‌های چشم‌گیر اسلام است که خدا تا پایان جهان در آنها برای شما منافی قرار داده است. سپس پاداش شما بر آفریننده‌ی خانه‌ی کعبه است. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۰).

البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد.

۵. یکی از مصادیق شعائر الهی به معنای برنامه‌های مهم و چشم‌گیر اسلامی که بر اساس روایات شعار و نشانه مؤمنان شمرده شده است («نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)). همین راهپیمایی و زیارت اربعین امام حسین (ع) در عصر حاضر است که از ملیت‌های مختلف در آن شرکت می‌کنند و نماد وحدت مؤمنان و کانون

دوستی و ایثار مردم نسبت به یکدیگر شده است و وحدت و برادری مؤمنان را در برابر چشم جهانیان به نمایش می‌گذارد.

ب: مراسم اربعین یادمان ایام الله (روزهای خدایی)

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ) (ابراهیم/ ۵)؛ «و به یقین، موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان فرستادیم؛ که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری نما؛ [چرا] که حتماً در آن (یادآوری‌ها) برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاس‌گزاری، نشانه‌هایی (عبرت‌آموز) است».

۱. تعبیر «ایام الله» (روزهای خدا) به خاطر امتیاز و درخشش خاصی است که این روزها در تاریخ بشریت داشته‌اند؛ مثل روزهای پیروزی پیامبران الهی بر دشمنان و روزهای شکست طاغوت‌ها و سرکشان و روزهایی که خدا نعمت‌های خاص به بندگان داده است. (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۱-۲۷۲).

۲. در برخی احادیث اهل بیت b بیان شده است که مقصود از «ایام الله»، روز قیام مهدی علیه السلام و روز رجعت و قیامت است و در احادیثی دیگر روز مرگ و روزهای امتحانات الهی ایام الله شمرده‌اند. (خصال، ج ۱، ص ۱۰۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۶۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶).

البته این گونه احادیث بطن آیه و مصداق‌های جدید آن را بیان می‌کنند.

۳. «ایام الله» به معنای یک روز از صبح تا غروب نیست، بلکه گاهی مقصود یک دوره‌ی خاص است و به طور کلی هر روز با عظمتی که فصل تازه‌ای در تاریخ بشریت بگشاید و درس عبرتی به آنان بدهد ایام الله است.

۴. یادآوری خاطرات روزهای سرنوشت‌ساز و یاری خدا در آن روزها، تأثیراتی روانی دارد و ملت‌ها و به ویژه جوانان را با گذشته‌ی پرافتخارشان آشنا می‌سازد و به آنان شخصیت و عزّت می‌دهد و به آینده و یاری خدا امیدوار می‌سازد. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

از این روست که ما روزهای بزرگ تاریخ اسلام را گرامی می‌داریم، (از جمله روزهای مبارزات مجاهدان بزرگی هم‌چون امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت و یارانش) و هر سال مراسمی در آن روزها برگزار می‌کنیم؛ و در عصر خود دیدیم که یاد این ایام الله چگونه در پیروزی حق‌طلبان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره و پیروزی رزمندگان اسلام نقش‌آفرین بود.

۵. یکی از مصادیق ایام الله، مراسم اربعین امام حسین ع است که به صورت راهپیمایی دسته جمعی مؤمنان هر سال برپا می‌شود و ملت‌ها را به یاد فداکاری امام حسین ع و یاران حضرت می‌اندازد. از این‌رو می‌توان گفت سالروز اربعین حسین ع و راهپیمایی آن، روز خدایی است که از ایام الله شمرده می‌شود. آری همان‌طور که امام حسین ع چراغ هدایت (ابن نما حلی ص ۴؛ بن سلیمان، ج ۴، ص ۵۲). است که مردم را از تاریکی‌های جهل نجات می‌دهد و به سوی نور هدایت می‌کند، (کامل الزیارات، ص ۲۲۸؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۷).

مراسم اربعین نیز در ظلمات مادیت عصر حاضر نوری است که ملت‌های مسلمان را به سوی خدا هدایت می‌کند.

ج: راهپیمایی اربعین عمل صالح و موجب وحدت مسلمانان و خشم کفار (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (توبه/ ۱۲۰)؛ «این به خاطر آن است که آنان هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند و به هیچ هدفی (از ضربه و قتل) از دشمن نمی‌رسند، مگر این که به خاطر آن، کار شایسته‌ای برای آنان نوشته می‌شود؛ [چرا] که خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند».

۱. در این آیه به هفت مورد از مشکلات مسلمانان در جنگ‌ها اشاره شده، ولی این موارد برخی مصادیق آن‌هاست و در حقیقت، تمام سختی‌های جهاد پاداش دارد.

۲. این آیه اصول جنگی ذیل را به مسلمانان آموزش می‌دهد:

(الف) از دستور رهبری تخلف نورزید.

(ب) از جان رهبر به خوبی حفاظت کنید.

(ج) در برابر سختی‌ها مقاومت نمایید.

(د) دشمنان کافر را با عملیات خود به خشم آورید.

(هـ) هر گونه سختی که در جهاد تحمّل کنید، (تعبیر «لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا» در لغت یعنی «هیچ ضربه‌ای بر پیکر دشمن وارد نمی‌سازند، مگر این که در نامه‌ی اعمالشان نوشته خواهد شد.» اما غالب مفسران با توجه به مجموع آیه این گونه معنا کرده‌اند: «مجاهدان هر گونه ضربه‌ای از دشمن ببینند، در نامه‌ی اعمالشان ثبت خواهد شد.)

ثواب کار شایسته‌ای برای شما نوشته می‌شود. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).
 ۳. هر چند که آیه فوق در مورد جهاد نظامی در رکاب پیامبر اسلام است ولی جنگ در هر عصری شکل خاصی به خود می‌گیرد:

- گاهی جنگ نظامی است که گام نهادن در مسیر لشکرکشی و جانبازی می‌طلبد.

- گاهی جنگ فرهنگی است که مبارزه مناسب خود را می‌طلبد مثل راهپیمایی و اجتماع و تبلیغات و ... که در قرآن به عنوان جهاد کبیر از آن یاد شده است. (فرقان / ۵۲)

- گاهی جنگ اقتصادی، سیاسی و ... که مبارزه خاص خود را می‌طلبد.

۴- راهپیمایی و زیارت اربعین در عصر ما، نوعی جهاد فرهنگی در برابر دشمنان اسلام است. این پدیده عظیم بشری که نماد برادری و اخوت مؤمنان است، دشمنان را به خشم می‌آورد به طوری که خشم آنها را در بایکوت تبلیغاتی این راهپیمایی عظیم بشری (که بزرگ‌ترین راهپیمایی مذهبی انسان‌ها در کل کره زمین شمرده می‌شود و هر سال برگزار می‌شود) می‌بینیم که تمام بوق‌های تبلیغاتی غرب و شرق (جز اندکی از خبرگزاری‌ها و رادیو تلویزیون‌های متعهد) چشم خود را بر واقعیت می‌بندند.

آری بر اساس آیه فوق هر کس در راه مجاهدت اسلامی قدمی بردارد که دشمن را به خشم آورد یا ناراحتی و زحمتی را تحمل کند به عنوان عمل صالح برای او نزد خدا ثبت می‌شود و راهپیمایی اربعین حسینی در عصر ما یکی از مصادیق این امر است.

د: راهپیمایان اربعین مهاجران خدایی

(وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (نساء/ ۱۰۰)؛ «و هر کس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های [آمن] فراوان و گشایشی خواهد یافت؛ و هر کس [به عنوان] مهاجرت به سوی خدا و فرستاده او، از خانه‌اش به در آید، سپس مرگ او را فرا گیرد، پس به یقین پاداشش بر خداست؛ و خدا، بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است».

۱. هجرت يك حکم مخصوص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه در هر عصر و زمان و مکانی، اگر همان شرایط پیش آید، مسلمانان موظف به هجرت‌اند.

۲. پاداش نیکوکاران همیشه با خداست، اما در این آیه، به خصوص، تصریح شده که پاداش این‌گونه مهاجران بر خدا لازم است. و این نهایت عظمت و اهمیت پاداش مهاجران و لطف خدا به آنان را نشان می‌دهد.

۳. مهاجران در همان گام‌های اول که از خانه خارج می‌شوند، مشمول عنایات الهی می‌شوند، چرا که در آیه نفرمود: «هر کس هجرت کند»، بلکه فرمود: «هر کس از خانه‌اش خارج شود، در حالی که به سوی خدا و پیامبرش هجرت کند». (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۴. مهاجرت در آیه‌ی فوق شامل اقسام مهاجرت (مثل: هجرت برای جهاد، هجرت برای تحصیل علم و تبلیغ اسلام و ...) می‌شود و همه‌ی این‌ها مصداق آن است. (تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۲۱).

۵. حرکت برای حضور در راهپیمایی زیارت اربعین امام حسین ع می‌تواند یکی از مصادیق آیه فوق باشد که کسی از خانه خویش به سوی خدا و برای تعظیم

شعار الهی و اخوت و وحدت اسلامی و بزرگداشت شهدای کربلا و تبلیغ راه حق آنها حرکت می‌کند. آری راهپیمایان اربعین، مهاجران خدایی هستند که اگر در این مسیر گرفتار حادثه و فوت شوند پاداش آنها با خداست.

هـ: مراسم اربعین یاری خدا (کمک به دین خدا و اهل بیت پیامبر)

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (محمد/ ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

۱. در این آیه بر مسئله‌ی ایمان تکیه شده است؛ یعنی اگر کسی مؤمن باشد لازمه‌ی ایمانش آن است که خدا را یاری کند.

۲. یکی از قوانین و سنن الهی این است که هر کس خدا را یاری کند خدا نیز او را یاری می‌کند.

۳. خدا قدرتمند و شکست‌ناپذیر است، پس نیاز به یاری ندارد و مقصود از یاری خدا، یاری دین خدا و پیامبر اوست که در حقیقت یاری حق و نوعی تلاش در راه کمال بشریت است.

۴. اگر کسی خدا را یاری کند، خدا نیز او را یاری می‌رساند؛ یعنی از راه تابش ایمان بر قلب او و تقویت روح تقوا و اراده و ایجاد آرامش در فکر او و با فرستادن فرشتگان او را یاری می‌کند (فصلت/ ۳۰). و جریان حوادث و قلوب مردم را به سوی یاری‌گر خویش متمایل می‌کند و سخنان او را نافذ و گام‌های او را ثابت قدم و استوار می‌گرداند. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۵. ثبات قدم یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمن است که به توفیق الهی نیاز دارد و این توفیق را خدا به یاری‌گران خود می‌دهد تا بر دشمن پیروز شوند. (بقره/ ۲۵۰).

۶. امام حسین (ع) هدف قیام خود را اعتلای کلمه الله و عزت شریعت اعلام کرد (موسوعة کلمات الامام حسین، ص ۳۳۶ و ۳۳۷). و با شهادت خود در یاری دین خدا پیشگام شد و در همین راستا کسانی که در راهپیمایی زیارت اربعین شرکت می‌کنند پاسداشت این فداکاری و یاری دین می‌کنند و در حقیقت راهپیمایان اربعین یاری گران خدا، دین الهی، پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) هستند. از این رو مصداق آیه فوق می‌شوند و نصرت الهی و ثبات قدم به آنها عطا می‌شود.

و: راهپیمایی اربعین یاری مظلوم

(وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا) (اسراء / ۳۳)؛ «و شخصی را که خدا (خونش را) حرام کرده، جز به حق، نکشید؛ و هر کس که مظلومانه کشته شده، پس برای سرپرستش تسلطی (بر قصاص) قرار دادیم؛ و [لی] در قتل زیاده روی نکند؛ [چرا] که او یاری شده (ی خدا) است».

۱. ریختن خون انسان‌ها و قتل از مسایلی است که همه‌ی قوانین بشری و ادیان الهی از آن منع کرده‌اند و در اسلام یکی از گناهان بزرگ به شمار می‌آید. حتی در قرآن کشتن يك انسان همانند کشتن همه‌ی انسان‌ها شمرده شده است. (مائده / ۳۲)

البته احترام خون انسان‌ها در اسلام مخصوص مسلمانان نیست و حتی کافرانی که به صورت صلح‌آمیز در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، جانشان محترم و مورد حمایت است.

۲. اگر کسی مرتکب قتل یا گناهی بزرگ شود، احترام خون او از بین می‌رود و

لازم است که برای جلوگیری از کشتارهای بعدی، قصاص شود. قرآن کشتن قاتل را کشتن به حق می‌نامد.

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که این آیه در مورد امام حسین علیه السلام است. (کامل الزیارات، ص ۶۳؛ عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۱ و کافی، ج ۸، ص ۲۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰).

البته روشن است که این گونه احادیث یکی از مصادیق بارز مظلوم کشته شده را مشخص می‌سازد.

۴. در احادیث از امام علی (ع) نقل شده که فرمودند: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»؛ (صالح، ص ۴۲۱). «یاور مظلوم و دشمن ظالم باشید».

بنابراین وظیفه هر مسلمانی است که مظلوم را به هر صورتی از جمله با اجتماع و شعار و تبلیغات یاری کند تا دشمنانش رسوا گردند و با توجه به اینکه امام حسین (علیه السلام) از مصادیق بارز «مظلوم» در آیه فوق است، بر همه ما لازم است او را یاری رسانند و راهپیمایی عظیم اربعین یکی از راه‌های یاری‌گری آن حضرت است که دشمنان را در طول تاریخ رسوا می‌کند.

آری راهپیمایی زیارت اربعین، فریاد مظلومیت سید الشهداء است.

ز: اربعین مظهر وحدت اسلامی و عواطف ایمانی

(وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (آل عمران/ ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آن‌گاه که دشمنان (یک‌دیگر) بودید، و [او] میان دل‌های

شما آفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (هم‌دیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید و شما را از آن نجات داد. این‌گونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید».

۱. مقصود از «ریسمان الهی» هرگونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاك خداست و روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در این مورد حکایت شده است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام حکایت شده که مقصود از حبل الله همان قرآن است؛ (الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰؛ معانی الاخبار، ص ۱۳۲؛ نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶). از امام باقر علیه السلام حکایت شده که ریسمان الهی، علی علیه السلام، یا آل محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ (عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۵؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۶۹). و برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند مقصود از حبل الله همان اسلام باشد. (مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۳۲۹؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ج ۱، ص ۴۸۴؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸).

اما با توجه به مفهوم وسیع «حبل الله»، یعنی «وسیله‌ی ارتباط با خدا» تمام این موارد می‌توانند از مصادیق ریسمان الهی باشند. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).
۲. اتحاد مسلمانان نیازمند محور است و خدا محور این وحدت را «ریسمان الهی» معرفی کرده است تا امری ثابت و استوار باشد؛ چرا که وحدت بر محورهای دیگر، هم‌چون نژاد، زبان و ملیت، بی‌ثبات و شکننده است.

۳. تعبیر «ریسمان الهی» در واقع اشاره به این حقیقت است که انسان در شرایط عادی و بدون مرتب و راه‌نما، در قعر دره‌ی طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از این چاه نیاز به ریسمان

محکمی دارد که به آن چنگ زند و بیرون آید. این رشته همان وسیله‌ی ارتباط با خداست که از طریق قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان واقعی او تحقق می‌یابد و مردم را به آسمان تکامل معنوی و مادی رهنمون می‌شوند.

۴. مقصود از واژه‌ی «نعمت» در آیه‌ی فوق، همان موهبت اتحاد و برادری است و تکرار آن نشان دهنده‌ی اهمیت این مطلب است.

۵. وحدت دو جنبه‌ی ظاهری و باطنی دارد که اصل همان جنبه‌ی باطنی، یعنی هم‌دلی و تألیف قلوب و برادری است و در آیه‌ی فوق بر هر دو جنبه‌ی وحدت تأکید شده است.

۶. خدای متعال در این آیه هم‌دلی مؤمنان را به خود نسبت داده است.

این اشاره به این معجزه‌ی اجتماعی اسلام است که از مردمی جاهل و بی‌تمدن که سابقه‌ی کینه‌ها، دشمنی‌ها و جنگ‌های ممتد داشتند، در مدتی کوتاه ملتی واحد و متحد و مهربان ساخت. آری این کار از طریق عادی و معمولی امکان‌پذیر نبود.

۷. تأثیر اتحاد مردم در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی ملت‌ها اعجاز‌آمیز است. مؤمنان هم‌چون قطرات آب باران هستند که از اجتماع آنها سدّی عظیم به وجود می‌آید و در مقابل دشمن می‌ایستد و از نیروی آن همه جا روشن می‌شود و چرخ عظیم صنعت به گردش در می‌آید و سرزمین‌های زیادی آبیاری می‌شود، در حالی که قطرات باران هیچ کدام به تنهایی قادر به این کارها نیستند.

۸. بر اساس احادیث فوق، امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق حبل الله است از این‌رو امام حسین علیه السلام و مراسم اربعین ایشان مظهر و محور وحدت مؤمنان است که لازم است همه فرق و مذاهب اسلامی به ریسمان محکم الهی، سبط النبی امام

حسین g تمسک جویند و وحدت اسلامی را به نمایش گذارند.

۹. خدای متعال به وسیله وحدت دل‌های مؤمنان را به هم نزدیک می‌کند و آنها را از آتش اختلاف نجات می‌دهد. آری میلیون‌ها انسان در مسیرهای طولانی ده‌ها کیلومتر راهپیمایی می‌کنند و چندین شبانه روز پذیرایی می‌شوند و مکان‌های استراحت آنها فراهم می‌شود، بدون اینکه بودجه دولتی برای این امر اختصاص یابد، هزینه‌ها و خدمات زائران اربعین با ایثار و محبت توسط مؤمنان تأمین می‌شود.

دوم: جایگاه اربعین در قرآن

در قرآن کریم به جایگاه تکوینی و ارزش تشریحی (عبادی) عدد چهل اشاره شده است که می‌توان با تداعی معانی از آنها در مورد اربعین امام حسین g الهام گرفت.

الف: جایگاه تکوینی اربعین و همراهی آن با شکر

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ) (احقاف/ ۱۵-۱۶)؛ «و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد، و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا این که به حدّ رشدش برسد و به چهل سالگی برسد، گوید: «پروردگارا! به من الهام کن، که نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی

داشتی، سپاس‌گزاری کنم و این‌که [کار] شایسته‌ای، که آن را می‌پسندی، انجام دهم؛ و برای من در نسلم شایستگی پدید آور. در واقع، من به سوی تو بازگشتم و در حقیقت، من از تسلیم شدگان هستم * آنان کسانی هستند که بهترین اعمالشان را از آنان می‌پذیریم و از بدی‌هایشان در اهل بهشت می‌گذریم؛ (این) وعده‌ی راستی است که (بدان) وعده داده می‌شدند».

۱. در این آیات نیکی به پدر و مادر، به همه‌ی انسان‌ها سفارش شده است نه فقط به مؤمنان و مسلمانان؛ یعنی نیکی به پدر و مادر از اصول انسانی و حقوق بشر است و مربوط به دین و مذهب خاصی نیست و اگر کسی به این وظیفه عمل نکند، شایسته‌ی نام انسان نیست. (تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه).

۲. در این آیات مدت شیرخوارگی و بارداری زنان مجموعاً سی ماه و در برخی آیات مدت شیرخوارگی بیست و چهار ماه معین شده است؛ (بقره، آیه‌ی ۲۳۳). پس کم‌ترین مدت بارداری شش ماه است، همان‌طور که حکایت شده حضرت عیسی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمدند. (کافی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ کامل‌الزیارات، ص ۵۵؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۱ و تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴).

و هر چه از مدت نه ماه بارداری کم می‌شود، باید بر مدت شیرخوارگی افزوده شود تا حقّ کودک ادا گردد.

۳. مقصود از «رسیدن به مرحله‌ی توانایی» همان بلوغ جسمانی، (البته برخی مفسران نیز بلوغ اشد را با مرحله‌ی چهل سالگی یکی دانسته‌اند). یعنی سن بلوغ یا هیجده سالگی است و مقصود از چهل سالگی همان مرحله‌ی بلوغ عقلانی و فکری بشر است که پیامبران الهی نیز معمولاً در این سن به رسالت برانگیخته می‌شدند. (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۲۸).

۴. سن چهل سالگی نقطه‌ی عطفی در زندگی بشر است و در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و خیر او بر شرّ او غلبه پیدا نکند، برای دوزخ آماده شود.

و نیز در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و توبه نکند، شیطان می‌گوید: دیگر او رستگار نمی‌شود. (مشکاة الانوار، ص ۱۶۹ و تفسیر روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۷).

۵. این آیات چند دعای افراد چهل ساله را بیان کرده است، این دعاها در حقیقت خطوط اساسی زندگی را پس از چهل سالگی نشان می‌دهد که عبارت‌اند از:

الف) سپاس‌گزاری از نعمت‌های الهی بر خود و پدر و مادر؛

ب) انجام اعمال شایسته و مورد رضایت خدا؛

ج) اصلاح فرزندان و نسل؛

د) توبه کردن و بازگشت به سوی خدا؛

ه) تسلیم خدا و مسلمان واقعی شدن.

۶. خدا در برابر این کارهای نیک افراد چهل ساله، سه پاداش اساسی به آنان می‌دهد:

الف) بهترین اعمال آنها (یعنی واجبات و مستحبات) را می‌پذیرد، یا بر اساس بهترین اعمالشان به اعمال دیگرشان پاداش می‌دهد. (تفسیر

نمونه، ج ۲۱، ص ۳۳۱)

ب) از بدکاری‌ها و گناهان گذشته‌ی آنان می‌گذرد.

ج) آنان را در میان اهل بهشت جای می‌دهد.

۷. این آیه اشاره دارد که «چهل» رمزی تکوینی دارد، یعنی هنگامی که انسان به

چهل سالگی می‌رسد تحوّلی در او پیدا می‌شود و شکرگزار می‌شود. یعنی این مطلب ریشه در وجود انسان دارد.

آری عدد «چهل» از اسرار خلقت و عدد کمال است. شاید اربعین امام حسین علیه السلام و زیارت ایشان در آن روز سّری در همین عدد کمال دارد که امروز در راهپیمایی عظیم اربعین به عنوان بزرگترین راهپیمایی بشری در کره زمین هر ساله برگزار می‌شود و ملیت‌های گوناگون با حضور در این صحنه سپاس و شکر خود را به پیشگاه شهدای نینوا ابراز می‌کنند.

ب: ارزش تشریحی اربعین در تکمیل سیر و سلوک

(وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ) (بقره/ ۵۱)؛ «و (یاد کنید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم؛ آن‌گاه، پس از (رفتن) او، گوساله را (به پرستش) گرفتید، در حالی که شما ستمکار بودید».

(وَوَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ) (اعراف/ ۱۴۲)؛ «و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ و آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ پس میعادگاه پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد؛ و (در هنگام رفتن،) موسی به برادرش، هارون، گفت: «جانشین من در میان قومم باش و (امورشان را) اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن».

۱. در این آیه می‌فرماید: «وعده‌ی الهی سی روز بود، «میقات» از ماده‌ی «وقت» به معنای زمانی است که برای انجام کاری تعیین شده‌است. گاهی نیز به مکانی گفته می‌شود که کاری در آن انجام می‌پذیرد؛ و در این آیه به معنای

«زمان وعده» و در آیه‌ی بعد به معنای «مکان وعده» است). سپس ده روز به آن اضافه شد»، اما در آیه‌ی ۵۱ سوره‌ی بقره، وعده‌ی الهی، چهل روز بیان شده است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده:

هنگامی که موسی علیه السلام به وعدگاه الهی رفت، با قوم خویش قرار گذاشت که غیبت او سی روز بیش‌تر طول نکشد، اما هنگامی که خدا ده روز بر آن افزود، بنی‌اسرائیل گفتند: موسی علیه السلام تخلف کرده است و به دنبال آن، دست به کارهایی (مثل گوساله‌پرستی) زدند. (عیاشی، ج ۲، ص ۲۶؛ کافی ج ۱، ص ۳۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۵۸۰ و تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۶۱).
 ۲. از احادیث استفاده می‌شود که چهل روزی که موسی علیه السلام به وعدگاه الهی رفت، در ماه ذیقعد و ده روز اول ذیحجه بود و اگر در قرآن به جای چهل روز، تعبیر چهل شب شده است، ظاهراً به خاطر آن است که مناجات و گفت و گوی موسی با پروردگارش بیش‌تر در شب‌ها انجام می‌شد. (صافی، ج ۲، ص ۲۳۲؛ بیضاوی)، ج ۳، ص ۳۳ و معالم التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸).

۳. شب برای مناجات و سخن با خدا منزلت خاصی دارد و عدد چهل هم در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است. (آشتیانی، قم: انتشارات فقه، چاپ سوم، ۱۳۷۹).

۴. از این آیات استفاده می‌شود که عدد چهل در سیر و سلوک عبادی، رمزی است و جایگاهی ارزشمند دارد. شاید در اربعین امام حسین ع نیز عدد چهل دارای حکمت و رمز و رازی است.

اربعینی که زیارتش نشانه مؤمن شد و میلیون‌ها نفر هر سال با راهپیمایی

عظیم خود به این عدد رمزگونه جان تازه‌ای می‌دهند و سیر و سلوک عبادی خود را در عزاداری محرم و صفر در روز چهلم به تمام و کمال می‌رسانند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آیات ذکر شده روشن شد که مراسم اربعین حسینی، مصداق آیات عام قرآنی (همچون آیات شعائر الله - ایام الله - هجرت - نصرت و ...) است و بر اساس این مبانی برپایی این پدیده عظیم بشری مطلوب است و نیز جایگاه تکوینی و تشریحی اربعین از آیات دیگر قرآن (احقاف/ ۱۵ و اعراف/ ۱۴۲) قابل استفاده است.

از این رو بر همه مسلمانان است که پدیده وحدت بخش راهپیمایی اربعین امام حسین (ع) را جهت زیارت آن حضرت، هر ساله بپا دارند تا این عمل صالح، دشمنان اسلام را به خشم آورد و مأیوس سازد.

منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، ابوجعفر محمد بن علی، عوالی اللالی، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن عطیة، عبدالحق، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن فارس، ابن الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر، کامل الزیارات (المزار)، نجف اشرف، انتشارات مرتضویه، ۱۳۶۵ ق.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، نشر دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد مثیر الأحزان، مدرسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. اسرار عدد چهل در قرآن و حدیث، محسن آشتیانی، قم: انتشارات فقه، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۱۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب

العلمية، ۱۴۱۵ق.

۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینة معجز الأئمة الإثنی عشر، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۱۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان في تفسير القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۵ ق.

۱۴. بغوی حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

۱۵. بیضاوی عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.

۱۶. حاکم حسکانی، ابوالقاسم عبیدالله، شواهد التنزیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۷. حق شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.

۱۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۱۹. دهخدا، دکتر علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش، دوم.

۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۷، چ سوم.

۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، و جمعی از پژوهشگران، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.

۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، قم،

- انتشارات مركز جهانى علوم اسلامى، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. سيد رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تصحيح صبحي صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.
۲۴. سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن، الدر المنثور في تفسير الماثور، كتابخانه مرعشي نجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. صدوق، محمد بن على، معانى الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. طبرسى، على، مشكاة الانوار، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ ق.
۲۸. فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۲۹. فيض كاشانى، تفسير صافى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
۳۰. قرائتى، محسن، تفسير نور، مركز فرهنگي درس هايي از قرآن، ۱۳۸۱.
۳۱. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. گروهى از نويسندگان، موسوعة كلمات الامام الحسين (عليه السلام)، مركز تحقيقات باقرالعلوم، قم، دارالمعروف، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۳. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة، بيروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. معين، محمد، فرهنگ معين، تهران: اميركبير، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. مكارم شيرازى ناصر، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۷۴ ش.